

تاثیر ارزشیابی توصیفی بر خلاقیت دانش آموزان ابتدایی

صابر شفیعی^۱، مسعود ناصری^۲

^۱ آموزگار ابتدایی استان ایلام، کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی علوم تربیتی. آموزگار ابتدایی استان ایلام

چکیده

مقاله حاضر از نوع مروری- کتابخانه است که با توجه به نظرات اندیشمندان این عرصه به رشته تحریر در آمده است. هدف از نگارش این مقاله بررسی تاثیر ارزشیابی توصیفی بر خلاقیت دانش آموزان ابتدایی است، همچنین افزایش افق دید مربیان را نیز مورد نشان قرار می دهد. نتیجه این مقاله نشان می دهد که ارزشیابی توصیفی که معلم به عمل می آورد در خلاقیت دانش آموزان تاثیر مثبت دارد.

واژه های کلیدی: ارزشیابی توصیفی، خلاقیت، دانش آموزان، ابتدایی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

اساسی ترین وظیفه آموزش و پرورش تربیت انسان های شجاع، فعال، خلاق و کارآمد است. در دورانی که عصر صنعت جای خود را به عصر اطلاعات داده است مهم است انسان هایی تربیت شوند که بتوانند این دانش گسترده را برای حل مسائل و مشکلات جامعه و جهان پیرامون خود به کار گیرند و زمانی موفق به انجام چنین کاری می شوند که متناسب با تغییراتی که در همه بخش های جامعه انسانی به ویژه در حوزه ی نظریه های یادگیری به وجود می آید تحول بنیادین را در همه ی بخش ها به وجود آورند. یکی از اجزای مهم سیستم آموزش و پرورش نظام ارزشیابی است زیرا ارزشیابی کانون اصلاحات نظام آموزشی است (قره داغی، ۱۳۸۹).

پویایی و بقا در عرصه علم و عمل در سطح جهانی نیازمند یادگیری معنا دار، عمیق و مداوم است و سنجش تحقق یافتن آن به عهده نظام ارزشیابی است. ارزشیابی نیازها را کشف، هدف ها را تدوین و امکانات یاددهی - یادگیری را فراهم می کند و نارسایی های موجود در همه دوره های آموزشی را برطرف می کند. با وجودی که استفاده از روش های کمی و کیفی، اثر بخش ترین روش برای تمام فعالیت های دانش آموزان است، ولی هنوز قسمت اعظم ارزشیابی ها فقط با استفاده از روش کمی صورت می گیرد. اجرای شیوه های سنتی ارزشیابی که عمدتاً به صورت تراکمی و در غالب آزمون های کتبی و شفاهی صورت می گیرد، با توجه به دو اصل پاسخ گوئی و ارتقای تحصیلی، کاملاً ضروری به نظر می رسد. اما برای هدایت و شکل دهی به آموزش و یادگیری ناکافی و نارساست. ارزشیابی باید جزئی از آموزش باشد و جهت آموزش را تعیین کند. به عبارت دیگر ارزشیابی برای انجام آموزش بهتر صورت می گیرد و نه این که آموزش انجام گیرد تا ارزشیابی به عمل آید (حسنی، ۱۳۹۰).

به کار بردن ارزشیابی ناصحیح و نامناسب نه تنها مفید نیست بلکه می تواند خسارت های زیادی مانند: کاهش علاقه به یادگیری، افزایش اضطراب، ایجاد اختلال در رشد عاطفی دانش آموزان، از بین رفتن خلاقیت، کاهش عزت نفس، نادیده گرفتن تفاوت های فردی و ... به همراه داشته باشد.

بر اساس اهدافی که از سوی آموزش و پرورش منتشر می شود پرورش استعداد و کمک به خلاقیت یکی از اهداف آموزش و پرورش محسوب می شود اما در اکثر موارد به شکل خودآگاه یا ناخودآگاه موجب تضعیف خلاقیت می شود. عواملی مانند تأکید بر محفوظات، تأکید زیاد بر نمره به عنوان معیار خوب بودن عملکرد، عدم پذیرش ایده های جدید، روش های تدریس غیر فعال، عدم آشنایی معلمان با ویژگی های دانش آموزان خلاق و ... تا رفتارهای خلاقانه دانش آموزان رشد کاغذی نداشته باشد (شریف زاده، ۱۳۸۹).

بیان مسئله

مهمترین دوره تحصیلی در تمام نظام های آموزش و پرورش جهان دوره ابتدایی است، زیرا شکل گیری شخصیت و رشد همه جانبه فرد در این دوره بیشتر انجام می گیرد. همچنین دوره ای است که در آن فرصت و موقعیت مناسبی برای تحصیل، تربیت و یادگیری شیوه ارتباط صحیح با کودک فراهم می گردد و استعدادهای هر کودک به تدریج شکوفا می شود (صافی، ۱۳۸۸).

یکی از مهمترین عوامل در امر تحصیل خصوصاً در دوره ابتدایی مسئله سنجش و ارزشیابی می باشد. ارزشیابی به یک فرایند نظام دار برای جمع آوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات گفته می شود به این منظور که تعیین شود آیا هدف های مورد نظر تحقق یافته اند یا در حال تحقق یافتن هستند و به چه میزانی (گی، ۱۹۹۱)، سنجش و ارزیابی دانش آموزان در سطح ملی، یک اهم

عنصری کلیدی برای اصلاح مدارس و بهبود آموزش و یادگیری در نظر گرفته می شود. یکی از ویژگی های مهم ارزشیابی تعیین کیفیت است. در فرایند ارزشیابی داوری ارزشی با توجه به کیفیت به عمل می آید. نیتکو (۲۰۰۱)، کیفیت را در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی به عنوان دانش، مهارت و توانایی هایی که از دانش آموزان پس از آموزش انتظار می رود تعریف کرده است. دو نوع ارزشیابی داریم: ارزشیابی کمی و ارزشیابی کیفی.

روش آموزش سنتی که مبتنی بر یادگیری مطالب بدون تفکر و توجه به معنی آن است، دانش آموزان به گونه ای تربیت می شوند که بدون توجه به چگونگی ارتباط مطالب و بدون تفکر و توجه به معنی آن است، دانش آموزان به گونه ای تربیت می شوند که بدون توجه به چگونگی ارتباط مطالب و بدون تفکر، برای به دست آوردن نمره خوب آنها را می آموزند. اما این نوع آموزش و یادگیری برای انجام یک کار خلاق واقعا بی فایده است. شیوه های سنتی با ساختار انعطاف ناپذیر و محدودیت زیادی که برای دانش آموزان قائل می شود، همچنین با تکیه بر انتقال معلومات و محفوظات، امکان هر گونه رشد فکری، ابتکار و اکتشاف را از یادگیرنده سلب می کند (ولی پور، ۱۳۸۸).

آما بیل (۱۹۸۹)، معتقد است معلمان با بیان آزاد احساس خود، مانند عشق و شادی و کنجکاو می تواند الگوی مناسبی برای کودکان باشد. در کلاس ارزشیابی تو صیفی، معلمان به جای "من" "ما" می گویند. آنها منبع اطلاعات و هدایت هستند در این کلاس، همیشه همکاری بر رقابت ارجحیت دارد. زمانی که راه های گوناگون انجام یک فعالیت را مورد توجه قرار می دهند که دانش آموزان صدای بلند فکر کردن آنها را بشنوند و هدایت شوند. آنها نه تنها از ایجاد هر گونه زمینه رقابت در کلاس درسی، خودداری می کنند بلکه جوی را در کلاس ایجاد می کنند که دانش آموزان در انجام وظایف به همدیگر کمک کنند، در ایده ها با هم سهیم شوند و به نتیجه نهایی کار افتخار کنند و این یعنی خلاقیت. اکنون ارزشیابی (توصیفی یا کیفی) بخش جدایی ناپذیر و همگام فرایند آموزش یادگیری است که به جای طبقه بندی دانش آموزان بر هدایت یادگیری آنها متمرکز است (شریفی، ۱۳۸۳).

ضرورت و اهمیت تحقیق

ضرورت بررسی چگونگی ارزشیابی در دو نکته نهفته است: اول اینکه باید تعیین کنیم ارزشیابی از فعالیت ها تا چه میزان زمینه حرکت اعتلایی را فراهم ساخته است، این امر در توسعه، بهبود و اصلاح روش ها و ابزار بسیار موثر می باشد و نحوه تصمیم گیری در جهت ارتقاء یا اضمحلال شیوه ها در فرایند ارزشیابی را آشکار می کند. دوم اینکه در نظام آموزشی دوره عمومی شیوه ها و روش های جدید ارزشیابی را به عنوان راهبردی برای مرتفع ساختن نا رسایی های آموزشی مطرح گردیده و موفقیت این دوره تا حدود زیادی به اجرای صحیح ارزشیابی های تکوینی وابسته است. لذا ضروری است مشکلات و معضلات ارزشیابی آموزشی در این دوره شناخته شود و در جهت رفع آن قدم های موثری برداشته شود تا اهداف برنامه ریزان آموزشی در مورد کاهش ارزشیابی های تراکمی و پایانی و افزایش ارزشیابی های مستمر تحقق یابد. همان طور که می دانیم دوره ابتدایی مهمترین دوره در طول تحصیل و همچنین آغاز دوران تحصیل می باشد و تا در این دوره مهم ارزشیابی و سنجش وجود نداشته باشد نمی توان به میزان و اهمیت یادگیری نو آموزان پی برد. البته ارزشیابی کمی که نمره ای است چندان فایده ای ندارد و باید ارزشیابی توصیفی مد نظر باشد تا دانش آموزان در آرامش کامل باشند و هیچ گونه اضطراب و استرسی نداشته باشند و هدف ما هم در این تحقیق همین است که معلمان و مدیران به این نتیجه برسند که ارزشیابی توصیفی اهمیت بیشتری دارد و باعث افزایش خلاقیت دانش آموزان می شود.

تعریف خلاقیت

خلاقیت مقوله ای است که پرورش آن عمدتاً تحت تأثیر دو عامل است: یک عامل درونی که به خصوصیات فردی افراد مربوط می شود و تحت تأثیر عوامل ژنتیکی فرد قرار دارد و دیگری عامل بیرونی که مربوط به عوامل محیطی و فرهنگی است و تحت تأثیر شرایط، مکان ها و ابزارها قرار دارد. به عبارت دیگر اگر یک قطب خلاقیت را فعالیت ذهنی بدانیم باید قطب دیگر آن را عوامل اجتماعی و فرهنگی تلقی نماییم، با علم به تأثیر پذیری خلاقیت از عوامل محیطی و فرهنگی و با توجه به این که آموزش نیز یک فعالیت اکتسابی و فرهنگی است ما می توانیم با بهره گیری از روش ها و ابزارهای مناسب آموزشی، به پرورش قدرت آفرینندگی و خلاقیت در دانش آموزان اقدام نماییم (ذکریایی و همکاران، ۱۳۸۷).

آیزنگ (۲۰۰۰)، براین باور است که خلاقیت، روانی است که منجر به حل مسئله، ایده سازی، مفهوم سازی، ساختن اشکال هنری، نظریه پردازی و تولیداتی می شود که بدیع و یکتا باشند. همچنین خلاقیت یک اثر فعالیت های متعالی فرایندهای روانی است که در فرایند تحول روانی به اشکال گوناگون اما در یک سبک منحصر به فرد، نمود پیدا می کند. خلاقیت توانایی یا ظرفیت روانی و جسمانی است که جهت ساختن یا بازسازی واقعیت در یک روش خاص به کار گرفته می شود.

ویژگی های افراد خلاق

روانشناسان سعی داشته اند تا مشخصات افرادی که دارای سطح بالایی از خلاقیت هستند مشخص کنند "استیز" عوامل زیر را برای افراد خلاق بیان داشته است:

- سلامت روانی و ادراکی: توانایی ایجاد تعداد زیادی ایده به طور سریع.
- انعطاف پذیری ادراک: توانایی دست کشیدن از یک قاعده و چارچوب ذهنی.
- ابتکار: توانایی در ایجاد و ارائه پیشنهادهای جدید.
- ترجیح دادن پیچیدگی نسبت به سادگی: توجه کردن و در نظر گرفتن چالش های جدید مسائل پیچیده.
- استقلال رأی و داوری: متفاوت بودن از همکاران در ارائه نظرات و اندیشه های نو.

عوامل مؤثر در رشد خلاقیت

امروزه با توجه به افزایش سریع رقابت و پیچیدگی های عصر اطلاعات، سازمان ها نیازمند آموزش مهارت هایی هستند که بتوانند با علم روز پیشرفت کنند. یکی از این مهارت های مهم و کارا خلاقیت، نوآوری و کار آفرینی است که با استفاده از آن همگان سعی در رشد و توسعه شرکت و یا سازمان خود را داشته باشند. بنابراین اگر فردی در سازمان از بالاترین حد مهارت برخوردار باشد ولی از مهارت های خلاقیت و نوآوری بی بهره باشد هرگز قادر به انجام کاری خلاق و حرکت در مسیر رشد نخواهد بود. با پرورش خلاقیت در دانش آموزان می توان دیدگاه آنان را نسبت به محیط اطراف گسترش داد و بینش آنان را دقیق تر، نگاه آنان را به طبیعت منطقی و روابط آنان با انسان ها را اخلاقی و انسانی تر نمود. بنابراین اگر قبول کنیم که بزرگترین سرمایه یک کشور، نیروهای خلاق و متفکر آن کشور است، هرگونه هزینه در عرصه پرورش خلاقیت دانش آموزان، سرمایه گذاری بزرگ و ماندگاری است که دنیای فعلی ما را خواهد ساخت و آیندگان از ثمرات ارزشمند آن بیشتر بهره مند خواهد شد (قاسمی، ۱۳۸۰).

پرورش خلاقیت کودکان کار آسانی نیست و به اعتقاد، عزم راسخ و تعهد والدین و مربیان نیاز دارد. تمام کودکان نمونه های خارق العاده ای هستند، آنها می توانند خلاق بوده و در بزرگی نیز می توانند خلاق باقی بمانند. خلاقیت تنها مختص افراد استثنایی و تیز هوش نیست، هرچند ممکن است این افراد دارای نیروی بالقوه بیشتری برای استفاده در راههای خلاق باشند (آمالی، ۱۳۷۷). بسیاری چنین می پندارند که ابداع، خصوصیت ذاتی برخی افراد است که با این نوع توانایی متولد می شوند، در صورتی که مدت ها ثابت شده است که این استعداد در نوع بشر به اندازه حافظه عمومیت دارد. می توان آن را با کاربرد اصول و فنون، با ایجاد طرز فکرهای جدید، با اجتناب از عادات و عواملی که این استعدادها را خفه می کند و با کاربرد مداوم آن پرورش داد (اسبورن، ۱۳۷۱). در میان عناصر و عوامل مؤثر آموزشی، معلمان نقش کلیدی را ایفا می کنند. معلمان می توانند خلاقیت را در دانش آموزان نیز پرورش دهند (حسینی، ۱۳۷۶).

موانع خلاقیت

عوامل بی شماری در ایجاد یا بازدارندگی خلاقیت دخیل هستند اما بر اساس تحقیقات صورت گرفته عمده ترین عواملی که ارتباط مستقیم با خلاقیت یا عدم خلاقیت دانش آموزان دارند، عبارتند از: امکانات و تجهیزات آموزشی، اهداف و محتوای کتب درسی، شیوه های تدریس معلمان و میزان تأکید معلمان بر معیار قراردادن نمره دانش آموزان به عنوان ملاک ارزشیابی. در آموزش و پرورش ایران مواد و وسایل آموزشی به جز کتاب درسی در حاشیه آموزش قرار دارند و علیرغم وجود بعضی از وسایل و مواد مختلف در مدرسه، به ندرت از آنها استفاده می شود. در مواردی نیز که از این وسایل استفاده می شود، دانش آموزان به طور غیر فعال به مشاهده جریان آزمایشات که توسط معلم انجام می شود، می پردازند. در مواردی نادر که چند تن از دانش آموزان به آزمایش می پردازند همان کاری را انجام می دهند که دستور العمل آن قبلاً به آنها داده شده است. چنین رویه ای ابتکار، کنجکاوی، اعتماد به نفس، انگیزه تلاش و کوشش و بالاخره خلاقیت و نوآوری را از بین می برد (فرنودیان، ۱۳۷۰).

ضرورت و اهمیت خلاقیت

امروزه می توان بدون اطلاعات زندگی کرد، اما مدت کوتاهی. ما ناچاریم برای زنده ماندن در جامعه حضور یابیم و با این اعلام وجود ناگزیر از انتقال و دریافت اطلاعات هستیم. در دنیای امروز سرعت اطلاعات به حدی فزاینده و سریع است که قوی ترین مغزها از پردازش این حجم باز می ماند. از سویی برای ادامه و بقای زندگی با کیفیت بالا به ناچار نیاز به اطلاعات هرچه بیشتر داریم. گاه از شلوغی اطراف خسته می شویم و آرزوی گوشه ای خلوت داریم. در حقیقت این خستگی ناشی از ناتوانی ذهنی است که در برابر دریافت، ثبت و یادآوری محرک های محیط قادر به پاسخگویی نیست. بهترین عامل برای مقابله با این خستگی های ذهنی، بیدار ساختن خلاقیت است. یادآور می شویم که خلاقیت در ذهن وجود دارد و باید پرورش یابد. به هر حال هر فرد تحت تأثیر تربیت خانواده و نیز آموزش و پرورش، تا حدی کلیشه ای این نیروی خفته را بیدار نموده است. خلاقیت دست کم برای جامعه سه فایده دارد: باعث افزایش رشد اقتصادی می شود. بهره وری را بالا می برد و باعث به وجود آمدن تکنولوژی ها و خدمات جدید می گردد. نوآوری و خلاقیت یک امر و نیاز زیر بنایی زندگی انسان است. آنچنان که بعضی ها فکر می کنند مشکل نیست. اگر شما به دقت به ابداعات با ارزش دقت کنید مبنای خیلی از آنها را واقعاً ایده های بسیار ساده تشکیل می دهند. اغلب هم نتایج بسیار ارزنده ای به همراه می آورند (آقای فیثانی، ۱۳۷۷).

تعریف ارزشیابی توصیفی

طرح ارزشیابی توصیفی مشهور به ارزشیابی کیفی یا طرح حذف نمره، تجربه نوآورانه‌ی برخاسته از عمل درمقطع اجرا و ارزشیابی - ابتدایی آموزش و پرورش ایران است. این طرح به صورت پیش‌آزمایشی در سال تحصیلی ۸۱-۸۲ شد. اجرای آزمایشی این طرح در چهار سال تحصیلی بعد ادامه داشته است. هدف ارزشیابی خدمت به آموزش است نه در کمین نشستن برای غافلگیر کردن دانش آموز و محک زدن او با معیار آنچه نمی‌داند. فرهنگ موفقیت را می‌توان با کاربرد روش صحیح در آموزش و ارزشیابی بر فضای کلاس غالب کرد. اطلاعات حاصل از ارزشیابی هر دانش آموز باید به این پرسش معلم پاسخ دهد که این دانش آموز در کجا قرار دارد و من برای پیشرفت او چه می‌توانم بکنم؟ نه این که معلم نتیجه‌گیری کند که مثلاً این دانش آموز زیر حد متوسط یا کند ذهن یا تیز هوش است. بنابراین ارزشیابی توصیفی الگوی جدیدی است که تلاش می‌کند زمینه‌ای را فراهم سازد تا دانش آموزان در کلاس درس با شادی و نشاط بیشتر و بهتر و عمیق‌تر مطالب درسی را یاد بگیرند (ولی پور، ۱۳۸۸).

ارزشیابی توصیفی و مشارکتی نظامی است که قبل از هر چیز برای استفاده بهره‌برداران از برنامه تهیه شده است. این رهیافت به عنوان بخشی از یک نظام یاددهی - یادگیری موثر دانش آموزان را قادر می‌سازد که از تجارب موفقیت‌ها و آموخته‌های هم‌کلاسی‌های خود بیاموزند تا بتوانند در آینده بهتر عمل کنند (منطقی، ۱۳۸۳). یکی از تخصص‌های مورد نیاز دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت در سطوح مختلف سازمانی و اجرائی، برخوردار بودن از دانش و مهارت سنجش و ارزشیابی پیشرفت تحصیلی می‌باشد که فقدان آن در عرصه‌ی عمل و اجرا، ناکارآمدی فرایند یاددهی - یادگیری را به دنبال خواهد داشت. گی، (۱۹۹۱)، معتقد است " ارزشیابی به یک فرآیند نظام‌دار (سیستماتیک) برای جمع‌آوری، تحلیل و تفسیر اطلاعات گفته می‌شود.

با توجه به تعاریف متعدد به نظر می‌رسد ارزشیابی، عبارت است از جمع‌آوری اطلاعات با توجه به معیارهای تعیین شده به منظور قضاوت و داوری. بنابراین مهمترین کاربرد نتایج ارزشیابی، قضاوت در مورد کار انجام شده و یا برنامه در حین اجرا یا تعیین میزان مطلوبیت یک برنامه آموزشی است. در تعاریف بالا از ارزشیابی نکات زیر قابل توجه و بررسی است:

در همه تعاریف بر تصمیم‌گیری به طور مستقیم و غیر مستقیم اشاره شده است. به عبارت دیگر در پایان هر ارزشیابی ما باید در جهت بهبود برنامه‌ی مورد نظر تصمیم مناسبی اتخاذ کنیم زیرا اگر اطلاعات حاصل از ارزشیابی برای تصمیم‌گیری به کار گرفته نشود، ارزشیابی بی‌فایده است به عبارت دیگر هدف اصلی و اساس ارزشیابی تصمیم‌گیری در جهت بهبود بخشیدن برنامه‌هاست. البته این بدان معنا نیست که در تصمیم‌گیری، معلم یا مدیر به فکر تسویه حساب‌های شخصی خود با دانش آموزان برآیند زیرا در این صورت است که ارزشیابی به جای فراهم کردن بازخورد برای بهبود بخشیدن برنامه‌ها، به منزله‌ی یک عامل بازخواست‌کننده برای مواخذه‌ی دانش آموزان و توجیهی برای برچسب زدن به آن‌ها در می‌آید. ارزشیابی وسیله است نه هدف وسیله‌ای در جهت کمال برنامه‌ی آموزشی و رفع نواقص و وسیله‌ای در راه رسیدن به اهداف برنامه.

دلایل ارزشیابی

تعیین نقاط قوت و ضعف برنامه و تعیین میزان تحقق اهداف مورد نظر
میزان انتقال یادگیری در ارتباط با کاربرد محتوا در محیط کار و شغل
ارزشیابی از لحاظ محتوا، سازماندهی و چگونگی اجرا

مشخص نمودن بیشترین استفاده کنندگان از برنامه

تجزیه و تحلیل و مقایسه برنامه با برنامه های دیگر برای انتخاب کارآمدترین برنامه از نظر هزینه فایده ارزشیابی میزان اثربخشی سرمایه گذاری در زمینه آموزش در حین کار.

اهداف ارزشیابی توصیفی

در ابتدا به اهداف ارزشیابی می پردازیم و در ادامه اهداف ارزشیابی توصیفی را بیان خواهیم کرد. از جمله اهداف و ضرورت های ارزشیابی، مشخص کردن سطح توانایی ها و آمادگی دانش آموزان برای یادگیری و برنامه ریزی به منظور جبران نارسایی ها و کاستی های مربوط به پیش دانسته های دانش آموزان، انتخاب روش تدریس مناسب، شروع مناسب فعالیت های یادگیری-یاددهی، ایجاد اعتماد به نفس در دانش آموزان، شناسایی نقاط قوت و ضعف دانش آموزان در جریان تدریس، پرورش روحیه تحقیق، تفکر و ابتکار، مشخص کردن نتایج و دادن بازخورد تصحیح کننده به دانش آموز، مطلع کردن دانش آموزان از سطح عملکرد مورد نیاز، اصلاح و بهبود برنامه و وسایل آموزشی و روش های تدریس و ... است (حسین زاده، ۱۳۸۰).

کاربرد ارزشیابی توصیفی آثاری برای دانش آموز و محیط و جریان یادگیری بر جای می گذارد که هر کدام هدف های ارزشمند تربیتی تلقی می شود که نظام آموزشی در پی تحقق آنهاست. برخی از این آثار عبارتند از: بهبود یادگیری، ایجاد نگرش مطلوب نسبت به مدرسه، افزایش بهداشت روانی کلاس درس، افزایش روحیه نقد پذیری در کودکان، افزایش مشارکت در یادگیری، رشد مهارت خود اصلاحی و خود تنظیمی، رشد مهارت نقد خود و بالاخره افزایش اعتماد و عزت نفس دانش آموزان (حسینی و احمدی، ۱۳۸۴).

ضرورت ارزشیابی توصیفی

حرکتی اصولی و ارزشمند است که بسترساز تحول، پویایی و آفت زدایی در نظام آموزش و پرورش کشور محسوب می شود. تغییر نظام ارزشیابی از مقیاس کمی به مقیاس توصیفی است. از ضرورت های تحول در نظام ارزشیابی موارد ذیل را به عنوان نمونه میتوان برشمرد:

- تفاوت های فردی که به عنوان یک اصل در نظام تعلیم و تربیت می بایست مورد توجه باشد، در نظام ارزشیابی فعلی چندان مورد عنایت نیست و معلمان علی رغم داشتن دانش و اعتماد لازم، ناگزیرند تفاوتها را نادیده گرفته و با همه ی دانش آموزان خود با روش تدریس، ارائه تکالیف و ارزشیابی یکسان برخورد نمایند.

- اگر در نظام تعلیم و تربیت کشور رده همة ی جنبه ی دانش آموزان در ابعاد مختلف سیاسی، دینی، اجتماعی و ... از جمله رشد علمی مورد انتظار است، باید پذیرفت که در نظام ارزشیابی فعلی صرفا رشد علمی دانش آموزان مورد چندان سنجش قرار می گیرد و علی رغم میل باطنی معلمان، مدیران و ... ابعاد دیگر رشد دانش آموزان چندان مورد توجه نبوده و تحت الشعاع جنبه رشد علمی قرار می گیرد.

- اگر بپذیریم که یادگیری عبارتست از تغییر در رفتار آنها، تغییر پایداری باید پذیرفت که نظام ارزشیابی فعلی قادر به سنجش میزان یادگیری دانش آموزان نیست و صرفا سطح دانش فراگیران که مبتنی بر محفوظات است مورد ارزشیابی قرار می گیرد. در نتیجه این شیوه ارزشیابی باعث می شود که معلمان علی رغم میل باطنی تدبیری بیاندیشند و تلاش نمایند تا دانش آموزان هر چه بیشتر مطالب را حفظ نمایند.

- یکی از نیازهای اساسی انسان به عنوان موجود اجتماعی، زندگی کردن در جمع است و یکی از ضرورت های زندگی کردن در جمع داشتن روحیه و مهارت های تعاون و مشارکت می باشد. اگر بپذیریم که بسیاری از رفتارهای اجتماعی افراد جامعه در مدرسه پایه ریزی می شود، باید از آن داشت که نظام ارزشیابی کمی نه تنها کمکی به ایجاد و تقویت روحیه تعاون، مشارکت و کار گروهی نمی کند بلکه دانش آموزان را به سمت فرد گرایی و توجه به هویت فردی می دهد (حسنی، ۱۳۸۲).

محاسن ارزشیابی توصیفی

شناخت عمیق تر و دقیق تر از دانش آموز
کاهش اضطراب نامطلوب و فعالیت های دانش آموز در کنار موفقیت
توجه به تلاش ها و فعالیت های دانش آموز در کنار موفقیت.
به خدمت گرفتن ارزشیابی برای آموزش و یادگیری بهتر.
مشارکت دانش آموز و والدین در ارزشیابی.
حمایت از کودک و توجه به حقوق آن در کلاس و مدرسه.
ایجاد فضای محبت و همدلی بین دانش آموزان.
شناسایی مشکلات یادگیری در زمان مناسب و تلاش برای رفع آن.
رشد توانایی نقد خود.
رشد مهارت های خود اصلاحی و خود تنظیمی.
بهبود عملکرد ها.
خارج شدن از برنامه های کلیشه ای و چهارچوبی.
افزایش روحیه انتقاد پذیری در کودکان.
افزایش اعتماد به نفس در کودکان.
افزایش بهداشت روانی کلاس.
ایجاد نگرش مطلوب نسبت به مدرسه

ارتباط خلاقیت و ارزشیابی توصیفی

ارزشیابی توصیفی، روشی برای بهبود شرایط یادگیری برای دانش آموزان است. ارزشیابی توصیفی، الگوی جدیدی است که می کوشد زمینه ای را فراهم سازد تا دانش آموزان در کلاس درس با شادابی و نشاط بیشتر و بهتر و عمیق تر مطالب درسی را بیاموزند. نتایج تحقیق سانتراک (۲۰۰۸، به نقل از سیف، ۱۳۸۷) نشان داده است که خلاقیت توانایی اندیشیدن درباره امور به راه های تازه و غیر معمول و رسیدن به راه حل های منحصر به فرد برای مسائل است و لذا از آنجا که ارزشیابی توصیفی، انگیزه یادگیری هرچه بیشتر را برای دانش آموزان فراهم می کند، استعداد های بالقوه آنها بهتر شکوفا شده و از این رو به سطوحی از خلاقیت دست می یابند.

امروزه استفاده از روش های سنتی سنجش در مدارس مورد انتقاد قرار گرفته است و سعی شده که به جای آنها از روش های دیگری استفاده شود و جانشین آنها گردد. از جمله انتقادهای وارد شده به شیوه سنتی این است که روش های سنتی از دانش

آموزان و دانشجویان می خواهند تا سؤال هایی را جواب دهند یا مسایلی را حل کنند که هرگز دوباره با آن روبرو نخواهند شد و از آنان می خواهند تا این کارها را تنها انجام دهند بدون اتکاء به هیچ نوع ابزار یا منبعی و در شرایطی با محدودیت زمانی، در صورتی که زندگی واقعی اصلاً به این ها شبیه نیست (سیف، ۱۳۸۷).

پیپر و استین (۲۰۰۴)، خلاقیت را فرایند ایجاد هر چیز جدید و با ارزش می داند که به عوامل گوناگونی نظیر دانش و معلومات، سن و تجربه، هوش و سبک های تفکر بستگی دارد. خلاقیت با دانش ارتباط مستقیم ندارد، ولی با خط مشی نظام آموزشی و ارزشیابی و استفاده از سبک های فکری ارتباط مستقیم دارد (صمد آقایی، ۱۳۸۳). نظام آموزشی مبتنی بر تفکر منطقی که در آن گفتار و کردار فی البداهه کودک به گفتار و کرداری استاندارد و کلیشه ای تبدیل می گردد و معلم به دانش آموزان می گوید: فقط به حرف من گوش بده، نمی تواند سبک های فکری دانش ثیر مقررات مدرسه و دانش آموزان را خلاقانه ترغیب کند. به ویژه دانش آموزان دوره ابتدایی که تا حد زیادی تحت رفتار معلمان هستند. اگر معلم در روش آموزش و شیوه ارزشیابی خود بتواند روحیه انتقادگرانه و خلاقانه در دانش آموزان را تقویت نماید، می تواند به اهداف عالی نظام آموزشی برسد. امروزه شرایط محیطی کسب و کار به قدری پیچیده، پویا و نامطمئن گردیده است که با روش های تفکر قبلی و سنتی نمی توان مسائل و مشکلات را حل نمود و حتی بدون فعالیت های خلاق و نوآورانه نمی توان دوام داشت. امروزه سازمان ها و بنگاه های اقتصادی کوچک و بزرگ بدون داشتن خلاقیت مستمر و به موقع محکوم به فنا هستند. مسلماً داشتن خلاقیت و نوآوری در گروه داشتن افراد خلاق است که آن هم مستلزم داشتن یک نظام آموزشی است که بتواند آینده سازان جامعه یعنی دانش آموزان خلاق را پرورش داد.

نتیجه گیری

دنایای امروز به طور مداوم در حال تغییر و تحول است و دانش آموزان به عنوان افرادی که در جامعه ای رو به رشد و در حال ترقی و پیشرفت نیازمند برخورداری از تفکر خلاق و روحیه انتقادگرایی برای هماهنگی با شرایط معلم و مدرسه هستند، و از طرف دیگر در اواخر قرن بیستم با روی کار آمدن نظریه های جدید یادگیری که بر کوشش فعال یادگیرنده در ساختن دانش از راه تفکر و استدلال است ایجاد می کند که ارزشیابی تحصیلی نیز به طوری تدوین شود که بتواند فهم و درک دانش آموزان را تعمیق دهد و روند یادگیری را هدایت کند تا به اهداف مورد نظر یادگیری یعنی آموختن برای زندگی برسند. خلاقیت روند تحولی دارد که در طی دوران تحصیل افراد شکل می گیرد که از جمله مواد مؤثر می تواند بر نوع مطلب مواد آموزشی، شیوه آموزش معلم و به تبع آن نحوه ارزشیابی آموزشی بر خلاقیت دانش آموزان با دادن بازخورد مناسب فرد را در جهت شکوفایی و یا سرکوب این استعداد یاری نماید. افراد جامعه برای رویارویی با آینده نا معلوم نیازمند مهارت های انعطاف پذیری هستند که خلاقیت این امکان را برای آنها فراهم می کند. همچنین بالا بردن ظرفیت خلاقیت می تواند باعث غنای زندگی می شود و به مشارکت در ساختن جامعه ای بهتر کمک می کند.

در پژوهشی خسروی و همکاران (۱۳۹۴)، به بررسی تاثیر ارزشیابی توصیفی بر عملکرد کیفیت و خلاقیت تحصیلی دانش آموزان پرداخته است. فرضیه های پژوهش تأیید کردند که از نظر آموزگاران ابتدایی ارزشیابی توصیفی بر عملکرد کیفیت و خلاقیت تحصیلی دانش آموزان ابتدایی شهرستان فارس تأثیر مثبت داشته است.

احمدی و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهش «بررسی رابطه ارزشیابی کیفی با خلاقیت و خود پنداره به این نتیجه دست یافتند که بین ارزشیابی کیفی با خلاقیت و خود پنداره در دانش آموزان به طور کلی رابطه وجود دارد و ارزشیابی کیفی باعث افزایش خلاقیت و خود پنداره می شود».

در پژوهشی زارعی (۱۳۸۸)، به بررسی تأثیر ارزشیابی توصیفی بر خلاقیت و مشارکت یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر پایه سوم دبستان در شهر بندر عباس پرداخت، نتایج به دست آمده نشان داد که بین خلاقیت دانش آموزان نظام ارزشیابی توصیفی و سنتی تفاوت معناداری وجود دارد و ارزشیابی توصیفی در عملکرد تحصیلی دانش آموزان مؤثرتر بوده است، اما بین دختران و پسران در این زمینه تفاوت معناداری دیده نشده است.

منابع

- آقای فیشانی، تیمور. (۱۳۷۷). خلاقیت و نوآوری در انسانها و سازمانها. تهران: ترمه.
- آمالی، ت. (۱۳۷۷). شکوفایی خلاقیت کودکان. ترجمه قاسم زاده، ح. و عظیمی. پ. تهران: انتشارات دنیای نو.
- اسبورن، ا. (۱۳۷۱). پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت. ترجمه قاسم زاده، ح. تهران: انتشارات دنیای نو.
- احمدی، کامران، احمدی پور، لقمان، صوفی، صلاح الدین، کریمی، سید بهاءالدین و نیلوفری، علی. (۱۳۹۱). بررسی رابطه ارزشیابی کیفی با خلاقیت و خودپنداره، شماره ۶، فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی.
- حسینی، رفیق. (۱۳۹۳). تجربه های معلمان مدارس ابتدایی از اجرای طرح ارزشیابی توصیفی، فصلنامه مطالعات اندازه گیری و ارزشیابی آموزش. شماره ۷.
- حسینی، محمد. (۱۳۸۵). راهنمای اجرای ارزشیابی توصیفی پایه های اول، دوم و سوم ابتدایی.
- حسینی، محمد؛ احمدی، حسین. (۱۳۸۴). ارزشیابی توصیفی الگویی نو در ارزشیابی تحصیلی. تهران: انتشارات مدرسه.
- حسینی، محمد. (۱۳۸۲). راهنمای ارزشیابی توصیفی، دفتر ارزشیابی تحصیلی و تربیتی.
- حسین زاده، فتح الله. (۱۳۸۰). آسیب شناسی نظام ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان جمهوری اسلامی ایران، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی.
- خسروی، محسن؛ بابک، رستمی؛ امیریان، موسی و فدایی، حامد. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر ارزشیابی توصیفی بر عملکرد کیفیت و خلاقیت تحصیلی دانش آموزان دوره ابتدایی از دیدگاه معلمان، سومین کنفرانس ملی روانشناسی و علوم رفتاری، تهران: مؤسسه اطلاع رسانی نارکیش.
- ذکریایی، منیژه؛ سیف نراقی، مریم؛ شریعتمداری، علی؛ و نادری، عزت اله. (۱۳۸۷). بررسی اثر اجرای برنامه درسی با بهره گیری از قصه گوئی و نمایش خلاق بر خلاقیت و یادگیری دانش آموزان دختر پایه چهارم مقطع ابتدایی منطقه ۵ شهر تهران. پژوهش نامه تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنور.
- زارعی، اقبال. (۱۳۸۸). تأثیر ارزشیابی توصیفی بر خلاقیت و مشارکت یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر پایه سوم در شهر بندرعباس، مجله علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز. دوره پنجم، سال شانزدهم، شماره ۲.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۸۷). روانشناسی پرورشی نوین. تهران: انتشارات آگاه.
- شریفی، حسن پاشا. (۱۳۷۵). اصول روانسنجی و روان آزمایی، تهران: انتشارات رشد.

- شریف زاده، زهرا.(۱۳۸۹). مقایسه شیوه‌های ارزشیابی (توصیفی - سنتی) بر میزان خلاقیت دانش آموزان مقطع پنجم ابتدایی شهر تهران پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- صافی، احمد.(۱۳۸۸). آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی تحصیلی و متوسطه، تهران: سمت.
- فروندیان، ف.ا.(۱۳۷۰). محتوای درسی و پرورش خلاقیت دانش آموزان. مجله رشد و تکنولوژی آموزشی، شماره ۷.
- قاسمی، ف.(۱۳۸۰). راهبردهایی برای پرورش خلاقیت در معلمان و دانش آموزان " اولیا و مربیان ". تهران: انتشارات آزمون نوین.
- قره داغی، بهمن.(۱۳۸۹). بهبود یادگیری با آزمون های مداد - کاغذی. تهران. کوروش.
- منطقی، مرتضی.(۱۳۸۳). بررسی نوآوری آموزشی در مدارس ایران، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، پژوهشکده برنامه ریزی و نوآوری آموزشی.
- ولی پور، حسن.(۱۳۸۸). نگاهی به ارزشیابی توصیفی، جشنواره الگوهای برتر تدریس و ارزشیابی در سال ۲۰۰۹

Piper, D. & Austin, D. (۲۰۰۴). The influence of self efficacy on teachers, practice of using computers in the classroom. In Proceedings of Society for Information Technology and Teacher Education International Conference ۲۰۰۴ (pp.۱۳۶۵-۱۳۷۱). Norfolk, VA; AAC

Nitko.A.J. (۲۰۱۰). Educational assessment and evaluation (۳thed) Newjersey: merrill, prentice-hall.

